

۲۰۲۰۹۵۹

کتاب

بعد از تو شاعر شدم

مریم زاری

آوا گلار

: زاغری، مریم، ۱۳۶۱ -

: بعد از تو شاعر شدم / مریم زاغری.

: تهران، آوای کلاز، ۱۳۹۷.

: ۴۸ ص.

: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۶-۲۴۷-۹

: فیبا

: شعر فارسی -- قرن ۱۴

Persian poetry -- 20th century :

PIR۸۳۴۶/الف/ب۷ ۱۳۹۷ :

: ۸۶۲/۱۶۲

: ۵۵۵۹۷۱۰

سرشناسه

عنوان و نام پدید آور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی

آوای کلاز

بعد از تو شاعر شدم

مریم زاغری

■ ناشر

■ طراح جلد

■ صفحه آرایی و تنظیم

■ نوبت چاپ

■ مجری چاپ

■ شمارگان

■ بها

: آوای کلاز

: سیده فاطمه حسینی نژاد

: مرگن اعتصامی

: نخست ۱۳۹۸

: کانون آگهی و تبلیغات آوای کلاز

: ۱۰۰۰

: ۱۴۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

تهران - انتشارات آوای کلاز - ص: ۶۵۵-۱۹۵۸۵

تلفکس: ۲۲۵۸۹۲۳۴

www.avayekelar.ir

avayekelar@ymail.com

«می‌توان شاعر بود و شعر نگفت.»

تریستیان تزارا

و سرانجام انتظار به سر می‌رسد و شاعر با نخستین کتابش ما را به ضیافت سروده‌هایش دعوت می‌کند. اکنون دیگر شعرهایش را گفته، در مجموعه‌ای وزین گرد آورده به طبع رسانده است. اکنون او شاعری است با کتاب.

اما مریم زاغری در این پهن‌دشت ادبیت، بدون شعرهای مکتوبش هم شاعر است؛ حتی اگر هرگز چیزی نگفته و نرود، باشد. به باور نگارنده، آنچه که او و مجموعه اشعارش را از بسیاری دیگر کارهایشان متمایز می‌کند نه صرفاً کلام خیال‌انگیز است و نه کلامی موزون؛ بلکه حس حیرت زیبایی است که شاعر در مواجهه با طبیعت و اشیاء و آدم‌های پیرامون خود دارد و همچنان که بر آن پای می‌فشارد شاعرانگی خویش را هرگز از دست نمی‌نهد. البته این بدین معنی نیست که او به کم و کیف قضیه و در نهایت به مصلحت خویش در این گذار عمر واقف نیست؛ درست برعکس، او در عین ادراک و آگاهی‌اش از جزئیات خوشایند و ناخوشایند همین زندگی است که با سماجت بر طبل شعر

خویش می‌کوبد و همچنان شاعر باقی می‌ماند. و این به خودی خود نه تنها چیز کمی نیست بل شاید مصداق همان است که زمانی ملک الشعرا بهار گفت و به درستی بین شاعر و ناظم تفکیک قائل شد:

شعر دانی چیست، مرواریدی از دریای عقل
شاعر آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت
صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر
ای بس ناظم که نظمش نیست الا حرف مفت
شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب
باز در دل هفت بند هر کجا گوشه شنفت
ای بسا شاعر که او را در خود نظمی نساخت
وی بسا ناظم که او در غیر نظم شعری نگفت

باری، مریم زاغری در این کتاب با بررسی تمام و بی هیچ ادعایی، با نگاهی نو و با حس‌آمیزی و به کارگیری موسیقی و صور خیال، کلامش را آذین می‌بندد و هر آنچه را که در ساعات غایت الهگان نظم بر ذهن و زبانش جاری می‌شود به خواننده شعرش عرضه می‌کند. اگر هم احياناً نقصی در کار باشد، وقتی شاعر شاعر باشد، مسلم درصدد رفع آن برخواهد آمد.

پس اینک که در برابر عملی انجام شده قرار گرفته‌ایم، بایسته است که مشوق باشیم و به او تبریک و تهنیت بگوییم.

با آرزوی بهروزی و پیروزی بیشتر برای مریم زاغری.

فریدون حیدری ملک میان